

تحلیل و بررسی پیوند اعضا از دیدگاه قوانین ایران

مریم دهقان^۱، محمد نبی پور^۲

^۱کارشناس ارشد، فقه و حقوق جزا، دانشگاه غیرانتفاعی، شمال آمل
^۲استادیار، گروه حقوق، دانشگاه غیرانتفاعی، شمال آمل

نویسنده مسئول:

مریم دهقان



چکیده

در دنیای امروز با پیشرفت علوم و کشف راه‌های گوناگون برای نجات جان آدمیان مسائل متعددی به وجود آمده که نیازمند تجدیدنظر در برخی زمینه‌های از پیش تعیین شده می‌باشد. از جمله این مباحث موضوع پیوند اعضای انسان است که در اغلب موارد به دنبال عارضه‌ی مرگ مغزی انجام می‌شود، موضوعی که امروزه چالش‌های بسیاری را در علوم گوناگون از جمله پزشکی و قوانین مرتبط با آن به وجود آورده است. هدف از مطالعه پیرامون این مسئله تدوین قوانین و مقرراتی جامع برای دستیابی به راهکارهایی کاربردی برای سهولت این امر و نجات جان تعداد بیشتری از انسان‌هاست. از آنجایی که قوانین ایران به صورت کلی به مقوله پیوند اعضا پرداخته شایسته است تا حقوقدانان و قانونگذار جزئیات این موضوع را بیان دارند تا در عمل با مشکلات کمتری مواجه باشیم.

کلمات کلیدی: پیوند اعضا، نظام حقوقی ایران.

مقدمه

از جمله موضوعات مهم که بشر از ابتدای خلقت جهان با آن روبرو بوده مسئله مرگ و چگونگی مواجهه با آن است. با توجه به اینکه امروزه تعریف مرگ شکل تازه‌ای به خود گرفته است انسان همواره به دنبال راهی است که تا حد امکان از وقوع برخی مرگ‌ها جلوگیری کند. یکی از راهکارهای اساسی در این زمینه پیوند اعضا به افرادی است که به علت از دست دادن یا از کار افتادگی عضوی از بدنشان در آستانه مرگ قرار دارند. در یک طرف فردی قرار دارد که به علت مرگ مغزی قادر به ادامه حیات نیست در صورتی که سایر اعضا همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند و در طرف دیگر شخصی است که عضوی از بدنش را به هر علت از دست داده، در این میان پزشکان راهی یافتند که ادامه حیات را به شکل بهتری برای افراد فراهم می‌کند. این موضوع با تمام جوانب مثبت، موانعی نیز در پیش رو دارد، از جمله مشکلات پزشکی، مسائل حقوقی و در کشور ما و برخی کشورها مواجهه با بعضی موضوعات فقهی که همه اینها نیازمند پاسخی شایسته و راهگشا می‌باشد. به عنوان مثال برخی فقها با استناد به ادله شرعی بیان می‌دارند که با توجه به مالکیت ذاتی انسان نسبت به اعضای بدن خود وی اجازه برداشت عضو و پیوند آن را به دیگری دارد (ملک افضلی و همکاران، ۱۳۹۶)، در مقابل این گروه عده‌ای دیگر معتقدند که چون خداوند خالق مطلق و صاحب اختیار انسان است این مالکیت به صورت امانی می‌باشد یعنی انسان به عنوان امانت‌داری در برابر جسم خویش است تا زمانی که بار دیگر به خاک باز گردد و روح و جان خویش را در اختیار خداوند قرار دهد. همچنین در حوزه پزشکی می‌توان به سودجویی برخی افراد در باب خرید و فروش اعضا به خصوص در کشورهای در حال توسعه اشاره کرد و همین طور سرعت اعضای بدن در حین جراحی و کشتن افراد فقیر و تجارت اعضای بدن آنها از این دست مشکلات می‌باشد. در این مقاله سعی بر آن است تا با بررسی همه جانبه موضوع از طریق تحقیقات از پیش انجام شده و همچنین مطالعه قوانین موجود در حوزه پیوند اعضا تا حد امکان راهکارهای کاربردی و مورد نیاز را در دسترس جامعه حقوقی کشور قرار دهیم، امید است این تلاش چراغ راهی برای اندیشمندان این حوزه واقع گردد.

پیشینه‌ی موضوع

در گذشته‌های نه چندان دور خرید و فروش انسان زنده تحت عنوان بردگی در بسیاری از کشورها رواج داشته است تا آنجایی که با تشکیل گروه‌ها و نهادهای بشردوستانه این موضوع رفته‌رفته لغو گردید تا شان و کرامت وجودی انسان به طور تمام و کمال حفظ شود و هر شخص صاحب نفس و جان خود باشد، اما امروزه خرید و فروش غیرقانونی اعضا شکل نوینی از زیر پا گذاشتن انسانیت است به گونه‌ای که برخی افراد زنده از روی فقر و ناچاری ناگزیر به فروش اعضای بدن خود می‌شوند. پیوند اعضا به صورت قانونی از زمانی در جوامع رشد پیدا کرد که میزان افراد مستعد اهدای عضو افزایش یافت که شایع‌ترین دلیل آن مرگ مغزی به هر علت است. اولین پیوند قلب جهان در سال ۱۹۶۷ در آفریقای جنوبی انجام شد و پس از آن ژاپنی‌ها در سال ۱۹۶۸ اولین پیوند قلب خود را با موفقیت انجام دادند که اهدا کننده فرد جوانی بود که به علت غرق شدگی دچار مرگ مغزی شده بود. این موضوع در کشور ما بیشتر بر اثر تصادفات رانندگی است که میزان این افراد در ایران کم نیست اما متأسفانه از بین این افراد خانواده‌های کمی داوطلب برای پیوند اعضای خویشتان خود می‌باشند که عمده‌ترین دلیل آن عدم پذیرش خانواده و اطرافیان فرد مبتلا به مرگ مغزی به این موضوع است که این فرد دیگر به زندگی عادی باز نخواهد گشت و این پیوند عاطفی و عدم اطلاع کافی در این خصوص صف‌های طولانی از بیماران چشم انتظار اهدای عضو را تشکیل داده است.

مفهوم شناسی پیوند عضو

اولین بحثی که به دنبال خود پیوند عضو را به همراه دارد مرگ و چگونگی تشخیص زمان دقیق آن است. در گذشته عدم فعالیت قلب را برای تشخیص مرگ کافی می‌دانستند اما در اواخر دهه ۱۹۵۰ متخصصان اروپایی به حالتی از اغماء توجه کردند که در آن مغز دچار آسیب غیرقابل بازگشت شده بود اما فعالیت‌های تنفسی به روش‌های مصنوعی و با دستگاه‌های مخصوص ادامه داشت (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰). این حالت در بیماران پزشکان را به تحقیق در این زمینه واداشت تا جایی که به این نتیجه رسیدند که مرگ مغزی درجه‌ای بالاتر از اغماست و در واقع مرگ مطلق است. ممکن است وضعیت فرد در حالت زندگی نباتی و کما رو به بهبودی برود و یا اینکه فوت کند اما در مرگ مغزی وضعیت بهبود پیدا نمی‌کند.

ما در اینجا از طریق علائم فیزیکی مرگ را تشخیص دادیم در حالی که از نظر اسلام مرگ زمانی اتفاق می‌افتد که روح از بدن خارج شود و این امر قابل تشخیص نیست به همین دلیل حقوقدان اسلامی نیز مرگ مغزی و شاخص‌های تشخیص آن را پذیرفتند (عباسی و پیمان، ۱۳۹۱). پیوند عضو به معنای انتقال عضوی از بدن انسان زنده یا مرده به انسان دیگری است. عده‌ای

بر این باورند که این اعضا باید جامد باشند و شامل خون و پلاسما نمی‌شود. پیوند در واقع برای ترمیم بافت آسیب دیده و یا بافتی که از بین رفته صورت می‌گیرد و شرایط گوناگونی دارد، این شرایط اعم از محل قرارگیری عضو پیوندی، ارتباط ژنتیکی و وضعیت جسمانی شخص دهنده و گیرنده که انواع مختلفی از پیوند را تشکیل می‌دهد و محل بحث در علم پزشکی است.

جنبه‌های حقوقی پیوند اعضا در دیگر کشورها

پیشرفت زندگی انسانی در سراسر دنیا کم و بیش با سرعت مشابهی صورت گرفته است از جمله تکنولوژی در حوزه علم پزشکی که امروزه نجات‌بخش جان افراد بسیاری می‌باشد. به دنبال نیاز به پیوند اعضا در بسیاری از کشورهای دنیا، سیستم بزرگی از عوامل دخیل و مورد نیاز در این قضیه شکل گرفته است که شامل دستگاه‌های مورد نیاز، عضو مورد پیوند، متخصصان حوزه پیوند و شخص دهنده و گیرنده می‌باشد. انجام عمل پیوند در کشورهای مختلف فارغ از مسائل فنی بستگی شدیدی به قوانین و فرهنگ آن کشورها دارد که این موضوع تفاوت‌های زیادی در بین ملت‌های مختلف به وجود می‌آورد. از این رو شناخت هر یک از این قوانین و فرهنگ‌ها و متعاقب آن تبادل روش‌ها، می‌تواند شیوه مناسبی برای شناخت دانش پیوند عضو در دنیا باشد. در بسیاری از کشورهای اسلامی قوانین مربوط به پیوند اعضا برگرفته از فقه است. یکی از استدلال‌های کلی فقه به این شکل می‌باشد که هر عملی که در شرع ممنوع باشد مشروع است.

در سال ۱۹۸۱ علمای عربستان بیان کردند که پیوند عضو در این کشور منع شرعی و قانونی ندارد. کشور مصر نیز استدلال کلی فقه را پذیرفته و بیان داشته که در آیات قرآن و سنت نبوی هیچ مسئله‌ای مبنی بر عدم پذیرش پیوند اعضا بیان نشده است لذا این مسئله قانونی است چرا که بر یکی از سفارشات اسلام یعنی انسان دوستی و کمک به نجات جان انسان‌ها تأکید می‌کند. در سوریه نیز قانون سال ۱۹۷۲ پیوند اعضا را مجاز دانسته و تحت شرایطی حتی به افراد زنده و سالم اجازه پیوند اعضای خویش را داده است. در قوانین کشور اردن که در سال ۱۹۷۷ به تصویب رسیده عمل پیوند عضو باید رایگان باشد و اگر فرد زنده بخواهد عضوی از بدن خود را اهدا کند نباید عضو ضروری باشد چرا که در این صورت رضایت شخص نیز شرعی نمی‌باشد. همچنین عمل پیوند باید در بیمارستانی باشد که به تصویب وزارت بهداشت رسیده است. در قوانین کشور انگلستان پیوند عضو و بافت بدن انسان به صورت جزئی بیان و کاملاً پذیرفته شده است به همین خاطر بسیاری از مردم انگلستان با این امر موافقت و با گرفتن کارت اهدای عضو آمادگی کامل برای پذیرش این مسئله را دارا می‌باشند. در این راستا قوانین متعددی در انگلستان وضع شده که شامل: (۱) قانون آناتومی مصوبه ۱۹۸۴، قانون پیوند اعضای بدن انسان مصوبه ۱۹۸۹، قانون بافت با منشأ انسانی مصوب ۲۰۰۴ و قانون بافت با منشأ انسانی (کیفیت و امنیت برای استفاده انسان) مصوب ۲۰۰۷ می‌باشد. این قوانین با بیان جزئیات تمام جوانب عمل پیوند را در نظر گرفتند تا این عمل بدون هیچ ابهامی صورت گیرد و تمامی حقوق اهدا کننده و گیرنده عضو حفظ شود، به همین منظور خرید و فروش عضو در این کشور ممنوع است و دارای ضمانت اجرای کیفری می‌باشد. در سال ۱۹۶۸ لایحه اهدای اعضا در کشور آمریکا به تصویب رسید که بعدها در سال ۱۹۸۴ قانون جدیدی تصویب شد و کاستی‌های لایحه را برطرف کرد. طبق لایحه هر فرد با داشتن سن قانونی ۱۸ سال می‌توانست اعضای بدن خود را اهدا کند و یا از انجام آن خودداری کند.

جایگاه اهدای عضو در مباحث فقهی

از نگاه قرآن مرگ زمانی اتفاق می‌افتد که روح از جسم جدا شده و دیگر تعلق به آن نداشته باشد به همین خاطر بارها در قرآن از لفظ «توفی» به معنای گرفتن چیزی به طور کامل و بی کم و کاست استفاده شده است. با توجه به این موضوع به طور دقیق نمی‌توان زمان مرگ را مشخص کرد اگر چه از نظر جسمی علائمی بیان شده است. حالتی بیان می‌شود تحت عنوان حیات غیرمستقر که حد واسطه زندگی عادی و مرگ واقعی است، فرد در این حالت به گونه‌ای زنده است اما امکان بازگشت به حیات واقعی را ندارد، در حالی که اعضای بدن وی در سلامت کامل به سر می‌برند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰). در اینجا مسئله پیوند اعضا مطرح می‌شود که نظریات مختلفی را در فقه به وجود آورده است. از بین چند نظریه برای پیوند اکثر فقهای شیعه و سنی بر این باورند که انسان بر بدن خود ولایت دارد و صاحب اختیار آن است پس می‌تواند اعضای خود را اهدا کند مگر آن که این امر موجب آسیب به نفس و جان خویش شود و همچنین کرامت انسانی خویش را متزلزل سازد که در این صورت جایز نیست. در مقابل این گروه عده‌ای دیگر کمی از فقه صرف خارج شده و با توجه به مباحث اخلاقی نظریه‌ای را مطرح کردند. این گروه انسان را تنها امانت داری در مقابل بدن خویش معرفی کرده و خداوند قادر را مالک اصلی انسان دانسته که اجازه هیچ گونه تصرفی را به وی نمی‌دهد. در موارد پیوند عضو از جسد علمای اسلام نگاه مثبت‌تری نسبت به پیوند از فرد زنده دارند اما آن را مشروط به رضایت قبلی از شخص متوفی و یا رضایت بعدی از بستگان فرد دارند (عباسی، ۱۳۸۲).

پیوند اعضا از نگاه قوانین موضوعه ایران

قوانین هر کشوری آینه تمام نمای حکومت و زندگی مردمان آن کشور است که در این بین قانون اساسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چرا که مسائلی که در قوانین اساسی کشورها مطرح می‌شود در درجه بالایی از اعتبار و عمل قرار دارد. پیرامون مسئله پیوند عضو می‌توان به مفهوم دو اصل ۲۹ و ۴۳ قانون اساسی استناد کرد که بیان می‌دارند: اصل ۲۹: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی». بند ۱ اصل ۴۳: «تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه».

این اصول صراحتاً از اهدای عضو سخن نگفتند اما می‌توان آن را جزئی از تأمین نیازهای اساسی در خصوص بهداشت و درمان محسوب کرد، چرا که امروزه با زیاد شدن افراد نیازمند به پیوند عضو این موضوع به یک نیاز اساسی تبدیل شده است. از طرفی عدم فرهنگ‌سازی مناسب از جانب دولتمردان و سیستم بهداشتی کشور ایران خود مشکلی بزرگ بود که خوشبختانه در سال‌های اخیر با رشد مثبتی روبه‌رو بوده و مخصوصاً مردم به صورت خودجوش با تشکیل گروه‌ها و نهادهای خیریه به این حرکت کمک شایانی داشتند. با وجود این نیاز در جامعه ایران قانونگذار ما در این زمینه سکوت اختیار کرده و قانون جامع و کاملی را تبیین نکرده است و تنها تلاش صورت گرفته در چند سال اخیر تشکیل شورای عالی پیوند اعضا بود. همچنین پس از فراز و نشیب‌های بسیاری که از سال ۱۳۷۳ شروع شده بود سرانجام در سال ۱۳۷۸ لایحه پیوند اعضا و مرگ مغزی در مجلس شورای اسلامی مطرح گردید و به تصویب رسید. بعد از بررسی قانون اساسی می‌توانیم اشاره‌ای به برخی مواد قانون مجازات داشته باشیم. بند ج ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست». در مسئله پیوند عضو اگر فردی زنده و سالم به اهدای یک کلیه خود به شخص دیگری رضایت دهد و پزشک معالج این عمل پیوند را انجام دهد دیگر در قبال عواقب بعدی برای دهنده کلیه مسئولیت کیفری ندارد، البته در حین عمل پیوند باید موازین فنی، علمی و نظامات حرفه‌ای را رعایت کند، در اینجا رضایت بیمار دهنده عضو قبل از پیوند است و باید با آگاهی کامل باشد اما فرقی نمی‌کند که به صورت شفاهی، کتبی، صریح یا ضمنی باشد و به هر شکلی که رضایت را نشان دهد کفایت می‌کند. ماده مورد نظر بعدی ماده ۳۷۲ قانون مجازات اسلامی می‌باشد. «هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه‌ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیر مستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می‌شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد. حکم این ماده و ماده ۳۷۱ این قانون در مورد جنایات غیر عمدی نیز جاری است». سؤال مهم در این ماده این است که آیا می‌توان فرد دچار مرگ مغزی را در حکم مرده دانست؟ باید گفت با توجه به مباحث از پیش گفته شده که مرگ مغزی حالتی غیر قابل برگشت است پس مفهومی از -در حکم مرده- می‌باشد و پایان دادن به زندگی چنین فردی با اهدای اعضای او به دیگری قتل محسوب نمی‌شود. ماده ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی نیز حائز اهمیت است بدین شرح: «در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمه وارده نیست». به عنوان مثال اگر پزشک قصد عمل پیوند عضو از فردی به فرد دیگری را داشته باشد اما شرایط اقتضاء نکند تا برائت کسب کند از هرگونه مسئولیتی معاف است زیرا برای حفظ نفس انسانی دیگر دست به این عمل زده است. البته باید به این نکته توجه داشته باشیم که این ماده مجوزی برای بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی پزشک نیست و وی باید در هر صورت نظامات پزشکی را رعایت کند.

بعد از این قوانین مطرح شده شایسته است به برخی قوانین و مقررات پزشکی و بهداشتی بپردازیم. الف) «قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنها مسلم است» این قانون در سال ۱۳۷۹ به تصویب رسیده است. این قانون علاوه بر راهگشایی‌های بسیار در زمینه پیوند اعضا کاستی‌هایی نیز دارد از جمله اینکه فقط راجع به پیوند اعضای افراد فوت شده و مرگ مغزی است و افراد زنده را در بر نمی‌گیرد. همچنین به خرید و فروش اعضا توجهی نداشته است. در سال ۱۳۸۱ هیئت وزیران «آیین نامه اجرایی قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است» را تصویب نمود. این آیین نامه به تعریفی از مرگ مغزی پرداخته که در قانون فوق بیان نشده بود. از معایب این آیین‌نامه می‌توان به این نکته اشاره داشت که مشخص نکرده در صورتی که هویت جسد یا فرد دچار مرگ مغزی مشخص نباشد چه کسی باید اذن به پیوند بدهد؟ آیا می‌توان بدون اذن عمل پیوند را انجام داد؟ پاسخ به این پرسش‌ها بی‌جواب مانده است.

و در نهایت در سال ۱۳۸۵ بخش‌نامه‌ای مصوب شد که در آن به پیوند کلیه از افراد زنده پرداخت که این یک استثنا دارد و آن هم عدم جواز اهدای کلیه از فرد زنده ایرانی به اتباع بیگانه است، در این بخش‌نامه بیان شده که هرگونه تجارت در فرآیند اهدای کلیه توسط شخص زنده ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

نتیجه گیری

پس از بررسی‌های انجام شده در این تحقیق دریافتیم که رابطه انسان با اعضای بدن خویش یک رابطه مالکیت ذاتی است و وی حق دارد بدون آسیب به جسم و نفس خویش و تنها برای نجات جان دیگری اعضای خویش را اهدا کند. اگرچه در قوانین کشور ما ایران اهدای عضو از فرد زنده به صورت محدود پذیرفته شده و تنها به تعدادی دستورالعمل و بخشنامه بسنده کردیم. یکی از مصادیق عدم رعایت عدالت بهداشتی در قوانین ما عدم اهدا یا فروش عضو از طرف فرد ایرانی به اتباع بیگانه ساکن در کشور است. این در حالی است که مطابق اصل ۱۴ قانون اساسی دولت و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و عدل برخورد کنند. قوانین ایران کلیات این امر مهم را بیان داشتند و با وجود پیشرفت علم پزشکی همچنان تدوین این قانون مجزا را در دستور کار قرار ندادند. قانونی که هر روز نیاز به وجودش بیشتر از گذشته احساس می‌شود. امید است قانونگذار کشورمان همچون بسیاری از کشورهای دیگر به مسئله پیوند عضو با نگاه روشن‌تری بنگرد و در این راستا قوانین و مقررات جامع و کاملی را وضع کند و از این راه جامعه حقوقی و پزشکی کشور را از مشکلات عدیده‌ی پیشرو برهاند.

منابع و مراجع

۱. الشریف، محمد مهدی، میرشکاری، محمدحسن، جلیلی، مهدی، (۱۳۸۹)، مشروعیت و ماهیت قراردادی پیوند عضو از انسان زنده، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هشتم، شماره سی و یکم، ۱۹۰-۱۴۹.
۲. بزمی، شبنم، کیانی، مهرزاد، رضوانی، سودابه، (۱۳۸۸)، بررسی جنبه‌های اخلاقی و حقوقی پیوند اعضا، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال سوم، شماره دهم، ۸۷-۱۰۱.
۳. جمشیدی، حسن، منصوری بتابی، مهدی، خلیلی باصری، محسن، (۱۳۹۶)، ماهیت قراردادهایی در خصوص پیوند اعضا از دیدگاه فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، پنجمین همایش ملی فقه، حقوق و علوم جزا.
۴. طاهری، حبیب الله، (۱۳۷۸)، پیوند اعضا از دیدگاه اسلام، مجله مجتمعات آموزش عالی قم، سال اول، شماره سوم، ۸۵-۱۰۴.
۵. عباسی، زینب، پیمان، اکرم، (۱۳۹۱)، بررسی مرگ مغزی و پیوند اعضا در ایران، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ششم، شماره بیستم، ۴۳-۵۴.
۶. غلامی علیایی، محمد، وکیلزاده، رحیم، (۱۳۹۲)، بررسی پیوند اعضا از دیدگاه فقهی و اسلامی، فصلنامه علمی- پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره شانزدهم، ۱۱۱-۱۳۴.
۷. معظمی، شهلا، وحدانی، مهدی، زاده باغ، پریسا، (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل قوانین و مقررات مرتبط با پیوند اعضای ایران، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ششم، شماره چهارم، ۱۶-۱.
۸. معظمی، شهلا، وحدانی، مهدی، زاده باغ، پریسا، (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی نظام حقوقی پیوند اعضا در ایران و انگلستان، مجله پزشکی قانونی ایران، دوره بیست و یکم، شماره دوم، ۱۱۷-۱۲۵.
۹. ملک افضل، محسن، امیری فرد، عبدالله، خاتمی سبزواری، سید حسین، (۱۳۹۶)، مبانی کنش فقه و اخلاق در مبانی پیوند اعضا، پایگاه مجلات تخصصی نور، شماره ۲۸ علمی- پژوهشی، ۱۷۴-۱۵۸.
۱۰. یوسفی، علیرضا، ضیایی، الهه سادات، قلجایی، فرشته، آذربین، مهرداد، (۱۳۹۰)، مرگ مغزی و پیوند اعضا از منظر فقه، اخلاق و قانون و تأثیر آن بر آموزش پزشکی، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی (ویژه نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت)، ۱۳۷۵-۱۳۶۶.